

ایزد بل (بعل)
نوشته‌ی آزاد کریمی



این واژه برای اولین بار در کتیبه‌های اوگاریت دیده شده است. بعل.
در کردی ما چند واژه‌ی مشابه بعل را داریم: بل و پال و پله
بل نام یک روستا در هورامان است. همچنین بلهر و جاهایی دیگر که واژه‌ی بل دارند. بل نام نگهبان
زمین در ادبیات سومری است.

پال یا پاله واحد قدرت یا آفا است. واحد قدرت پرتاب آب از مخزن به بیرون است. آن برابر است با قدرت دو شیر که برابر است با قدرت یک پای فیل. پال در زبان کردی یعنی هل دادن و زورمندی. پالو یا پاله یعنی کنار.

پهله در زبان کردی برابر است با نفوذ اولین باران پاییزی که بر زمین می بارد و عمق این نفوذ باید ۲۵ سانتیمتر یا بست (وجب) باشد. در این حالت است که کشاورزان خوشحال می شوند زیرا آنها می گویند باید آب اولین باران پاییزی که پس از کاشتن بذرها در مزرعه می بارد چنان عمیق باشد که بی آبی و خشکی زمین بذرها را ناکام نکند. زیرا اگر رطوبت زمین به اندازه‌ی کافی باشد بذرها جوانه‌ی کوچکی می زنند و سپس به خواب می روند و در بهار با گرم شدن هوا رشد می کنند و از خاک سر بر می آورند.

پهله در کشاورزی و کشت گندم بسیار حیاتی است. زیرا اگر جوانه زدن گندم در زیر خاک اگر به تاخیر بیفتد و هوا سردتر شود محصول آن سال عملاً به نابودی رسیده است.

بنابر این بعل یعنی خاک. مجسمه و نمادهای بعل را با یک مشت گره کرده که به بالا رفته است می بینید. این به معنای بذر گندم در مشت کشاورز در اول پاییز است که می خواهد بذرافشانی کند. بعل نماد فصل کاشت است. همین. هیچ ارتباطی با برداشت و حاصلخیزی ندارد. بعل نماد زمان مناسب کشت است. موسم کشت بخشی از چرخه‌ی یک ساله‌ی کشاورزی است.

بعل مربوط به زیر زمین یعنی لایه‌ی پایینی خاک است که این لایه به الی خاس یا ارخزه یا ارخشه یا اخسره معروف است که نماد طبیعت سبز است. روح همیشه زنده‌ی دوموزید در این لایه قرار دارد و روح او است که به خاک قدرت باروری می دهد به شرطی که آب در عمق ۲۵ سانتیمتری آن نفوذ کند.

نماد روندگی آب خسروه است. خسروه یعنی جاری و خزنده مانند مار. خسروه با یک مار قهوه‌ای یا گهور یا بۆر نشان داده می شود. این مار نماد زندگی نباتی است که از آن خار-خار می رود که بنمایه‌ی درخت آفرینش است. حلقه‌ی رابط میان خارخار که نر و ماده است پاپله یا پاپیله یا پاپیلکه است.

پاپیلکه همان پهلکه یا گیسوی بافته شده است. پاپیلکه یعنی جای پا و پلکان، پاکله.

خارخار در ابتدا دو مار نر سیاه و ماده ی سفید است که خسروه را تشکیل می دهند. خسروه با استفاده از پاپیلکه تبدیل به نهر دیوان می شود. نهر دیوان نماد عرض و پهنا است. خارخار در یک آب تلخ قرار دارد (توشپا، توژناب، ناوتوژ، ئاتوشا، ئاتشه) قرار دارد به همین دلیل به آن تیژتیژ می گویند.

نهر دیوان دارای دو قسمت افقی (پایجا، پایجه، وایچه، میجا، میکه، میکا، کومی) و عمودی (داریوه، رهواده، وهداره، اردیوه، اریوه، اردووه، اریدو، دیوار، دوووه) است.

این شمای کلی یک مولکول دی ان ای نباتی اولیه می باشد. از این رو تشکیل این مولکول اولیه برای فرشتگان آنوماکی و گهوری و خدای خالق مهم بوده است و از آن به عنوان اولین دستاورد در زمینه ی طبیعت جاندار یاد کرده اند.

پیشتر گفته ام که پاله ستون آب اولیه است که خدا در پی انفجار خوشه تره با سرد کردن آن به دست آنو ایجاد کرد.

پاله روی الی خاس ایجاد شد. آنچه از پاله روی زمین به آسمان می رفت و تبدیل به فواره یا قهلبزه یا ئهلبزه شد پاله پهنجه (پنجه پال، پهر پهنجه، تهر پهنجه، ئهر تنگه، ئهر ژهنگه، بهر ژهنگه).

آنچه از پاله روی زمین جمع می شد پاله سهریا سهر اوله نامیده شد.

آنچه از پاله به پایین بر می گشت شور اوه یا شوروپاگ نامیده شد.

آنچه از پاله به زیر زمین می رفت پهل یا پاله ژیر بود. وله ژیر، ئله ژیر، ئله شیر، ئله خشیر، ئله شتر بود. زیرا جاری و نافذ بود. ئله شتر بسیار مقدس بود زیرا قدرت نفوذ در خاک داشت و روح زنده ی دوموزید یا مزدا را سیراب می کرد و آن را فعال می کرد. الشتر نماد جاری بودن آب پاک بود که خهتان یا میتان یا هیتان یا هیته یا زیته نامیده می شد. زیته صفت چشم نافذ است.

بنابر این بعل که یک و جب یا ۲۵ سانتیمتر یا یک چارک از عمق لایه ی خاک است نماد موسم بذرافشانی یا کاشت است. بعل نماد ریشه است. ریشه نماد زندگی و پویایی و تحرک گیاه است. گیاه بنمایه ی طبیعت است و سپس انسان از طبیعت و خاک این طبیعت ایجاد شده است.

ریشه معادل رگ خون است. ریشه معادل قلب انسان است. این قلب خارونا یا همناره یا ارگنه نام دارد. ریشه پویا و فعال است.

بعل نماد خاک مرطوب است که با آب پاک هانه مسح شده است. در بعل است که پایه های درخت آفرینش محکم می شود بنابراین بسیار مقدس است و بناید خاک را آلوده کرد.

بل یا پهلّه یا بعل خدا نیست یک موسم و یک عرصه از خاک است که بذر حیات در آن شکل گرفت.

آشوریه‌ها که آکادیهای باستان یا سومریهای شمالی بودند به پالّه عشق می ورزیدند. نامها و القاب بسیاری از پادشاهان آشور منتسب به پهلّه است.

آشوریه‌ها یا شورّاویها از معتقدان پالّه یا ستون آب بودند. آنها آب را بسیار پاک و مقدس نگاه می داشتند. عقاید آنها همان عقیده‌ای است که به آن الخسای می گویند که زیربنای تمامی آیینهای باستانی کهن مزوپوتامیا است.

سومریها سه ایزد را بسیار تکریم می کردند: آنو، انکی و پهلّه

هر سه ایزد در مفهوم قداست و مفهوم زیربنا بودن آب عمل می کنند. آنها نر هستند اما قدرت زاینده‌گی آب را به هانه یا خهتان دختر آنو نسبت می دهند که در کنار روح آفرینشی طبیعت (مзда، دوزمه، دوسمه، دووخمه، توخمه، دوموزید، اهورامزدا) نهرونه، نهرینه، خارونا، ههرینه، تهرینه، پهرینه، فهرنه، دهرنه، نهردهوان، ناردینی، نهرده یا دارینه یا مفهوم دی ان ای را عینیت بخشیدند که در ۹ خانه افقی تجلی شد و آن نماد پهنه یا عرض است. با ایجاد عرض طول یا عمود نیز شکل گرفت و عدد آن ده بود که نماد کوماربی و تحرک و پا است. این مستطیل به ۹۰ خانه ی سیاه و سفید تقسیم شد که به آن خشته‌مرنگه یا اشته‌مرنجا، کاشته‌مرنگه یا همان عرصه‌ی بعل یا بل می گویند. نماد کاشته‌مرنگه یا مزرعه ی خلقت همان یک وجب یا بست آنو است که سمبل الی خاس یا خزمره یا الیاس است و لایه‌ی خاک برای رویش طبیعت است.

آشوریه‌ها یا پالّه‌وان ها بخشی از فرهنگ سومری باستان بودند. آنها طایفه ای از گودانی ها یا اوتتی ها بودند. گودانیها یا آگادیها همان گدایان باستانی بودند که دارای فرهنگ صوفیگری و درویشی بودند.

آنها برای قدرت آفرینشی آب سه خصلت قائل بودند: ارته‌خشمری (خسروی بودن، سارد بودن، اردشیری)، شوروپاکی (شیرپاکی، پهرشوکی، نهرمخشی، درمخشان و روشنی) و اندیوهری (دوودانه‌ای) (نهدودی، بهندووده، بهندووه، شهپول دهر، مواج بودن و جاری بودن)

آنها خود را الشتری یا آشورله می نامیدند. همانطور که گفتم الشتر یعنی قدرت نفوذ آب پالّه در زمین دوموزید.

الشتر نماد تجلی قدرت رویندگی پهلّه یا بعل است که همان صفحه ی شطرنج است.

بنابر این الشتر و پاله با هم هستند. پاله موسم باروری زمین، آب و دانه است. در این موسم که کاشترهنگه ی خاک (پهله یا لایه ی زیرین مرطوب خاک) و آب هانه (ئاوئه شتر، الی اشتر، اشتر او)، روح آفرینشی طبیعت (دوموزید) و دست قدرت خدا (الی خاس) که اساس خلقت است یک دانه را رویش می دهند.

آشوریه‌ها طایفه‌ای از سومریه‌های شمالی یا گودانیها هستند.

سومریه‌های شمالی را آککادی می نامند. آنها دارای این طوایف هستند:

آککادی یا گدایی، پالهی، گهودانی یا گوتی، دیخواگی یا کیانی، شور او ی یا آشوری، خاسی یا الیخاسی، ایلویی یا شیروانی یا لولویی، نیشی یا انشانی.

آنها تمدن اشنون را چهار هزار سال پیش ایجاد کردند که منطقه ی دشت شاره‌زور و پاله ی کنونی را شامل می شود. آنها خود را هورری نامیده‌اند. هورری ها اجداد هورامی های کنونی هستند.

هورری به معنای روحی یا رووی است. آنها منشاء روح را نور (اوتو) در آب (هانه) در پاوه‌ند (ایزد پیوند دهنده انکی) در نشان کامران (قوچ) و عقب نشینی تیر (انلیل) می دانستند.

روح در عرصه ی خاک (زامیاد) با خوشه‌تری (چرخو) یعنی ذره ی تن خدا ایجاد شد. خوشه‌تری یک صلیب چرخان یا حباب است و در تعادل (ماردوخ در خوشه‌تری ی چرخنده خانه ی نهم نشان ترازو) قرار داشت که این اتفاق متجلی شد.

در آن لحظه قاعده (انشان) ی ذره در الی خاس یعنی خط افق که نماد دست قدرت خدا است، قرار داشت رو به آنو پشت به انلیل و اوتو در راست و انکی در چپ. ماردوخ در بالا هانه در عرصه (بر، پهنه) و زامیاد در انشان در پایین قرار داشت. اما نرگال بر اعیان (دور) این ذره در داخل می چرخید و پاله یا بل در عمق زیر خوشه در خاک قرار داشت. بل یا پال نماد برکت است. نام پول که نماد دارایی و قدرت خرید است از نام او گرفته شده است.

بل دارای انرژی بسیار بالایی است و بسیار قدرتمندانه تعادل و کارما را در زندگی انسانها ایجاد می کند. او نماد محافظ ریشه است. او شفا دهنده ی زخمها (بلیمه‌ت) و درخشش است.